

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل ششم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل ششم

گشایش در زوج ها

امکان کمتری هست که زن و شوهری گشایش را با هم دریافت کنند. معمولاً یکی از طرفین ابتدا به آن می رسد. و زوج هائی هستند که یکی از آنها گشایش را دریافت می کند، اما دیگری هیچ وقت به گشایش نمی رسد. نتیجتاً اینجا لازم است صحبت از امکاناتی که باعث ایجاد چنین موقعیت ها می شوند بکنیم، که اکثراً لطف و یا سادگی برای مشاور ندارد.

گروه اول را در نظر بگیرید که چون زن و شوهر با هم همکار می کردند، باهم به نقطه عطف می رسند. این موقعیت زمانی اتفاق می افتد که هر دو بر روی مسئله ارتباط میان همدیگر (دور میز گفتگوی خانوادگی^(۱)) کار می کنند. اگر هر دو با هم در حال ایجاد ارتباط روحانی (افسسیان^(۴)) باشند، امکان دارد گشایش در یک زمان برای هر دو ایجاد گردد، چون اگر ارتباط روحانی میانشان بوجود آمده باشد، هتماً هر دو از آن بهرمند شده اند. این امکان خوشایندی است که به اوقات اتفاق می افتند. اما چون برای حل مسائل دیگر (مسئله ای که متقاضی بیان کرده)، ابتدا نیاز به ارتباط روحانی است (مسئله ای که روح القدس افشا کرده)، گشایش ارتباط روحانی ممکن است اهمیت خود را تنها پس از گشایش در حل مسئله عنوان شده، بدست آورد.

اما به هر ترتیب، صرف نظر از آنکه گشایش ارتباط روحانی موجب گشایش مسائل دیگر می شود یا نه، باید وجود آن را شناخت و از آن قردانی کرد. این برکتی است که باعث تشویق زوج ها می شود، و راه سازمان یافته ای را برای رسیدگی به مسائل دیگر فراهم می سازد.

اما ممکن است مسائل دیگر بقدری بر زن و شوهر تاثیر گذاشته باشند که نیاز به ایجاد رابطه روحانی نادیده گرفته شود و بخواهند سریعاً به ”مسئله اصلی“ که دارند (مسئله عنوان شده) بپردازند. این دامی است که نباید گرفتار آن شد. بسیاری از این مسائل بخاطر آنکه حل نشده در جای خود مانده اند، موجب شکست ارتباط سالم میان زن و شوهر شده اند. وقتی ارتباط از میان می رود، عوارض گوناگونی را ایجاد می کند. بعنوان مثال، زن و شوهر به یکدیگر شک می ورزند و نیت و هدف های غلطی را به هم نسبت می دهند. و معمولاً این عوارض بقدری به مسئله عنوان شده نزدیک و متصل می باشند که با سختی می توان آنها را از هم سوا کرد. راه حل این است که ابتدا ارتباط روحانی را ایجاد کرد تا بسیاری از این برداشت های غلط نسبت به یکدیگر بر طرف گردد.

علاوه بر این، مسئله ارتباط به اندازه هر مسئله عنوان شده، اهمیت دارد. در نتیجه قبل از آنکه به مسائل دیگر بپردازید، باید ابتدا ارتباط سالم روحانی را میان زن و شوهر ایجاد کنید. اگر نکنید، خواهید دید گشایش هائی که قبلاً بدست آورده بودند، یکی پس از دیگری از میان خواهند رفت.

اگر تنها یکی از طرفین ازدواج به نقطه عطف رسید چکار باید کرد؟ در چنین صورتی، باید به آنکه قبول نکرده نشان داد که خدا فرصت خوبی را با گشایشی که برای همسرش رخ داده، برای او نیز فراهم ساخته. حال موقع آن رسیده که از فرصت استفاده کرده و قدم پیش بگذارد. به او بگوئید، ”حال که راه از طریق همسران باز شده، بهترین موقع شراکت و همراهی برای شما نیز فراهم شده. نگذارید این امکان از دستتان برود.“ تاکید بر امیدی کنید که از طریق همسرش به میان آمده. به او اصرار کنید آنچه سد راه او شده را به زبان آورد و کمک کنید آن را از راه بردارد. به عبارت دیگر، کوشش کنید فرصت ایجاد شده را بشناسد و از آن استفاده کند. حتی می توانید از همسری که گشایش را تجربه کرده کمک بگیرید. همسرش نیز قبلاً از گشایش چشمانش

بسته بود. از مسیری که همسرش پشت سر گذاشت تا به گشایش برسد صحبت کنید. شاید مسئل یکی باشند. شکی نیست که همه می خواهند خدا را در زندگی بشناسند، منتهی سد هائی که راه هستند را نشناخته اند.

اما، اگر پس از تمام کوشش هایتان، عضو متخالف نپذیرفت، زمان آن رسیده که انضباط کلیسا را آغاز کنید (باید از فرزند خدا حمایت و حفاظت کرد)(۲). قبلاً نیز باید از آنکه گشایش را دریافت کرده بخواهید که در طول جریان انضباط در دعا بوده و صبور باشد. او نباید انتقاد و خورده گیری کند و یا دیگری را با خود مقایسه کند. فخر و کوچک بینی از خصوصیات خدا نیست. و توجه داشته باشید که امکان ایجاد چنین رفتار ها در مواقعی که انضباط بطول می انجامد، بیشتر می شوند. بیاد کسی که برکت را دریافت کرده بیاورید:

اول قرنطیان ۱۰

۱۲: پس اگر گمان می کنید استوارید، بهوش باشید که نیفتید!

مقایسات میان افراد همیشه کار اشتباهی است. خدا برای هر یک از فرزندان مقصود و اهداف خاصی دارد، که ممکن است ظاهراً مثل هم باشند، ولی در نهایت فرق بسیاری دارند. همسری که گشایشی در زندگی روحانی خود بدست آورده باید کمک کند، و سعی کند کمکی که می کند دور از زور، فشار، عجله، یا فخر باشد:

غلاطیان ۶

۱: ای برادران، اگر کسی به گناهی گرفتار شود، شما که روحانی هستید او را با ملایمت به راه راست بازگردانید. در عین حال، بهوش باش که خود نیز در وسوسه نیفتی.

۲: بارهای سنگین یکدیگر را حمل کنید که این گونه شریعت مسیح را به جا خواهید آورد.

۳: زیرا اگر کسی خویشان را فرد برجسته ای پندارد، در حالی که به واقع کسی نباشد، خود را فریب می دهد.

۴: هر کس باید اعمال خود را بیازماید. در آن صورت فخر او به خودش خواهد بود، بی آنکه خود را با دیگران مقایسه کند.

۵: زیرا هر کس بار خود را خواهد بُرد.

حذف شما این است که عضو متخلف را به گشایش برسانید. هر چه غیر از این باشد با شکست روبرو خواهد شد. بطوری که قبلاً گفته شد، ممکن است در طول جریان انضباط، همسرش بخاطر طول کشیدن کار دچار ناامیدی شود، و به جریان کار زیان برساند. در چنین صورتی، به او هشدار دهید که باید آنچه خدا گفته را اجرا کند، حال چه همسرش قبول بکند یا نکند. منظور اطاعت از خدا این نیست که خواسته های ما انجام بگیرد. خدا منبع برآورد سفارشات ما نیست. او باید کلام خدا را در زمان لازم، اطاعت کرده و اجرا نماید.

شما باید به او نشان بدهید چگونه می تواند به همسرش کمک کند. راه این است که بگونه مسیحی رفتار کند. گشایشی را که دریافت کرده را بازگو کند (شهادت بدهد)، و از برداشتی که از کلام خدا داشته صحبت کند. فرقی که در خود می بیند را بازگو کند. امیدی که بدست آورده را به زبان آورد. خدا را در تمام لحظات جلال دهد. و بطوری که گفتیم، در دعا و با صبر، امید به آنکه همسرش نیز گشایش را دریافت خواهد کرد را پرورش دهد.

فهرست زیر نویس های فصل ششم

- (۱) به صفحه ۴ فصل نهم از مرحله اول مراجعه کنید.
- (۲) بیاد داشته باشید که انضباط کلیسا همیشه بعد از مشاوره انجام می گیرد نه قبل از آن. و همچنین بخاطر بسپارید که این حق و برکتی است که خدا از طریق کلیسا به همه کسانی که اعضای کلیسا می باشند عطا کرده. اگر زمانی که انضباط لازم شده، آن را انجام نرسانید، از حق ابتدائی عضویت در کلیسا، او را محروم ساخته اید. قصد انضباط کلیسا، چاره سازی است، نه تنبیه و تادیب. نتیجه منفی که دارد (اخراج از کلیسا) تنها زمانی واقع می شود که تمام امکانات مثبتی که برای تغییر موضع عضو متخلف وجود دارد، بکار برده شده باشد.